

پڑھنا کا علم انسانی و مطالعات فرہنگی

تاریخ

● تاریخ، خاطرہ، افسانہ / دکترا احمد اشرف

نگاهی به تاریخ، خاطره، افسانه را با این گفته مشهور ارسطو آغاز می‌کنیم که «تمایز مورخ از شاعر در این نیست که مورخ به نثر می‌نگارد و شاعر به نظم. تاریخ هردوت را می‌توان به گونه‌ای به نظم آورد که همچنان از مصادیق تاریخ‌نگاری باشد. آنچه تاریخ‌نگار را از شاعر متمایز می‌کند آن است که تاریخ‌نگار دربارهٔ امری می‌نگارد که در واقع روی داده‌اند، حال آنکه شاعر دربارهٔ رویدادهایی می‌سراید که ممکن است روی دهند.» تعریف ارسطو از تاریخ‌نگاری به مثابه تصویر «امور تحقق یافته» بیشتر معطوف به توصیف زندگی واقعی مردمان و سرگذشت تاریخ‌سازان است. چنانکه کار لایل، مورخ برجسته قرن نوزدهم، هنوز بر این باور بود که تاریخ‌نگاری و سرگذشت مردان بزرگ چنان با یکدیگر پیوند خورده‌اند که «تاریخ جوهر سرگذشت‌های بیشمار است.» تاریخ‌نگاری هنگامی از سرگذشت مردان بزرگ جدا شد که برخی از مورخان قرن ۱۸ به مطالعه و تحلیل رویدادهایی پرداختند که در شکل دادن به زندگی انسان مؤثر بودند. با این همه، تاریخ‌نگاری و خاطره‌نگاری با هم پیوندهای گوناگون دارند و به اعتباری هر تحلیل تاریخی خاطره و زبان حال تاریخ‌نگار از خاطرات گذشتگان است.

از سوی دیگر مرز میان تاریخ‌نگاری و شاعری و افسانه‌پردازی نیز به همان سادگی و قاطعیت که ارسطو معین کرده نیست. چرا که تاریخ‌نگاری نیز با آنکه اساساً با شرح وقایع

سروکار دارد اما یکسره فارغ از افسانه‌پردازی و داستان‌سرایی نیست.

تصویرهایی که هردوت از امپراتوری هخامنشی و فردوسی از سلسله‌های اساطیری و تازیخی ایران باستان به دست می‌دهند برای روشن کردن موضوع بحث ما سودمندند. تاریخ هردوت به نمونه اعلان تاریخ‌نگاری که «بیان رویدادهای واقعی» باشد نزدیک است؛ اما نه فارغ از تجربه‌های شخصی هردوت و تصورات ذهنی او و معلومات اوست و نه بری از «خاطره تاریخی یونانی» از خودی و بیگانه (یعنی بربرها) در عصر او. اما با این همه، تصویری که هردوت از سلسله هخامنشی و روابط آن با یونان به دست می‌دهد بخشی از واقعیت تاریخی را نشان می‌دهد و حداقل گواهی بر وجود تاریخی دولت ماد و امپراتوری هخامنشی است؛ همان واقعیت تاریخی‌ای که در عصر ساسانی از خاطره تاریخی ایرانیان محو می‌شود و تا قرن نوزدهم همچنان ناپیدا می‌ماند.

حال آنکه در شاهنامه فردوسی اثری از سلسله‌های ماد و هخامنشی، که وجود واقعی تاریخی داشته‌اند، دیده نمی‌شود و به جای آن به تفصیل از سلسله‌های اساطیری پیشدادی و کیانی سخن می‌رود و مختصری هم به ملوک طوایف و اشکانیان پرداخته می‌شود و آنگاه از اسطوره به تاریخ راه می‌برد و تاریخ ساسانیان را براساس منابع موجود و تصورات شایع در زمان خود به نظم می‌کشد. شاهنامه فردوسی در واقع مجموعه‌ای است از پندارهای اساطیری، رویدادهای تاریخی، تعالیم اخلاقی و حکمت عملی و افسانه‌ها و تصاویر شاعرانه‌ای که در همه این موارد زندگینامه فردوسی به قلم خود او هم هست. به بیان دیگر، تصویر فردوسی از شاهان ساسانی همچون تصویر هردوت از شاهان هخامنشی کم و بیش به نمونه اعلای تاریخ‌نگاری نزدیک می‌شود، گرچه هر یک از این دو تصویر از دیدگاه‌های شخصی و اجتماعی و قومی و از زمان و مکان معین نشأت گرفته است.

روحیات وی در زمانی است که سرگذشت خود را برای ما روایت کرده است. از همین رو، ناباکف هشدار می‌دهد سرگذشتی که برای ما نقل می‌شود سه وجه دارد: آنچه راوی سرگذشت آن را می‌پردازد؛ آنچه شنونده روایت به آن شاخ و برگ می‌دهد و به صورت تازه درمی‌آورد؛ و آنچه صاحب درگذشته روایت از هر دوی آنان پنهان می‌کند. افسانه هم به نوبه خود با خاطره از دو سو پیوند دارد. یکی اینکه هر افسانه‌ای به تفاریق متأثر از خاطرات افسانه‌پرداز است و دیگر اینکه حدیث نفس، به قول بالزاک مؤثرترین نوع داستان‌نویسی است.

اما تاریخ‌نگاری و خاطره‌نگاری نیز به دو گونه با هم پیوند پیدا کرده‌اند. یکی خاطره

جمعی است که به صورت «حافظه تاریخی» ظاهر می‌شود و برجسته‌ترین تجلی آن «حافظه دینی و حافظه قومی» در هزاره‌های تاریخی و «حافظه ملی» در عصر جدید است. دوم، خاطره فردی است که پس از نگاشتن به صورت منبع و مأخذ با ارزش تاریخ‌نگاری درمی‌آید. موضوع بررسی‌های این شماره ویژه خاطره فردی است و نه خاطره جمعی. بنابراین آنچه در زبان فارسی به نام «خاطرات تاریخی» شهرت یافته در واقع از باب خاطرات فردی است که به سبب ارزش آنها در تاریخ‌نگاری بدین نام خوانده شده و از «حافظه تاریخی»، که موضوع بررسی ما نیست، متمایز است.

از سوی دیگر باید به وجوه تشابه و تمایز میان حافظه فردی (memory)، که مورد بحث ما نیست، و خاطره فردی (memoir)، که مورد نظر ماست، نیز توجه داشت. حافظه فردی موضوع بررسی در روانشناسی و روانکاوی است و حافظه جمعی موضوع بررسی در انسان‌شناسی و تاریخ، که هر دو بیرون از این بحث است. چنانکه خواهیم دید مهم‌ترین نوع خاطرات فردی در مغرب زمین حدیث نفس در معنای اعترافات است که هم مورد علاقه ناقدان ادبی است و هم مورد عنایت خاص روانکاوان. اما خاطرات ایرانی غالباً از نوع وقایع‌نگاری (chronicle) و یا خاطره‌نگاری (memoir) در مفهوم کلی آن است که از مهم‌ترین منابع تاریخ‌نگاری در ایران به شمار می‌آیند.

چنانکه خواهیم دید، پیش از آنکه واژه «اتوبیوگرافی» در اوایل قرن نوزدهم در اروپا رایج شود، واژه (memoir) برای انواع خاطره‌نگاری به کار می‌رفت و دلالت بر دو معنی داشت؛ یکی خاطره فردی به عنوان وسیله‌ای برای درک و فهم روانشناسی تاریخی، که به ندرت به کار می‌رفت، و دیگر در معنای نگارش خاطرات پراکنده که دلالتی بر بیان حالات و روحيات فردی نداشت. بنابراین خاطره در این معنی ممکن است هم برای یادداشت‌های روزانه، وقایع اتفاقیه، سفرنامه و یا گزارش‌های اداری و یا شرح مذاکرات انجمن‌های علمی به کار رود و هم برای حدیث نفس در معنای اعترافات و بیان حالات و روحيات فردی.

بدین ترتیب خاطره‌نگاری، در معنای گسترده آن، پایبند هیچ یک از صور بیان ادبی نیست. چنان که خاطره‌نگاران از هر وسیله و شیوه‌ای که در دست‌رسان باشد برای بیان سرگذشتشان یا حالات درونی‌شان یا مشاهداتشان سود می‌جویند. از همین رو به دشواری می‌توان شکلی از صور ادبی و نوشتاری را در بایگانی تاریخ یافت که خاطره‌نگاری در قالب آن نیامده باشد. از کتیبه‌هایی به جا مانده در مقبره‌ها و عبادتگاه‌های مصری و معابد بابل و آشوری گرفته تا سنگ‌نوشته‌های پادشاهان

هخامنشی و ساسانی؛ از اسناد به جا مانده محررین محاکم شرع و عرف گرفته تا آثار وقایع نگاران درگاه شاهان و روزنامه خاطرات اهل دیوان؛ از خطابه‌ها و رجزخوانی‌های خداوندان زر و زور گرفته تا توصیف هجایی و اشعار تغزلی و غنایی شاعران، از توصیف ادبی رویدادهای واقعی و خیالی گرفته تا داستان‌های بلند و افسانه‌های حماسی و نمایشنامه‌ها؛ از اعترافات روحانیون و متشرعین و رجال سیاسی و اهل ادب گرفته تا حضور قلب ملکوتی عرفاء و اهل معاد و حدیث نفس اماره و لوازم اهل معاش.

با این همه مشخص‌ترین و رایج‌ترین انواع خاطرات فردی در ادبیات ملت‌ها از این قرارند: وقایع‌نگاری (chronicle)، روزنامه خاطرات (diary)، خاطرات (memoirs)، سفرنامه (travelogue)، و، به ندرت، حدیث نفس (autobiography). وجه مشترک همه این انواع در این است که راوی خاطره رویدادهایی را نقل می‌کند که به گمان او واقعاً اتفاق افتاده‌اند و چیزهایی را می‌نگارد که خود از نزدیک شاهد وقوع آنها بوده است. در این میان وقایع‌نگاری در مرز تاریخ‌نگاری جا دارد و از انواع مشخص آن به شمار می‌آید، حال آنکه حدیث نفس در مرز افسانه‌پردازی مکان دارد و غالباً از انواع ادبی دانسته می‌شود.

بدین گونه صور گوناگون خاطره‌نگاری در محوری قرار دارد که یک سر آن تاریخ و سر دیگر آن انواع ادبی است. نگاهی به تاریخ خاطره‌نگاری در غرب نشان می‌دهد که حدیث نفس، به معنای اعتراف و گشودن راز درون، پایه و مایه خاطره‌نگاری غربی و مورد علاقه روانشناسان و نقدنویسان ادبی است، حال آنکه خاطرات ایرانی غالباً از نوع وقایع‌نگاری و خاطرات سیاسی و بیشتر مورد علاقه تاریخ‌نگاران است.

وقایع‌نگاری

وقایع‌نگاری، یا ثبت سالانه رویدادهای تاریخی به ترتیب وقوع آنها، نوع مشخص و متداول تاریخ‌نگاری و زندگی‌نامه‌نگاری در سده‌های میانه ایران و کشورهای اسلامی و تمدن‌های آسیایی و نیز در کشورهای اروپایی بوده است. در وقایع‌نگاری، رویدادهای پُر اهمیت به شیوه‌ای ثبت می‌شود که در آن نویسنده تقریباً به طور کامل در پشت صحنه قرار می‌گیرد و می‌کوشد تا گزارش خود را در حد امکان به گونه‌ای غیرشخصی بنگارد. از همین رو، حضور وقایع‌نگار در رویدادها به ندرت محسوس است و در نتیجه وقایع‌نگاری بیش از انواع پنجگانه مورد نظر ما به تاریخ‌نگاری، که راوی آن «سوم شخص مفرد» است، نزدیک می‌شود.

همان‌گونه که در مقاله «سیر تحول خاطره‌نویسی در ایران» در شماره آینده ایران‌نامه

به تفصیل خواهیم دید، وقایع نگاری سیاسی قدیمی ترین و رایج ترین نوع خاطره نگاری در تمدن های باستانی خاورمیانه بوده و نخستین بایگانی بزرگ رویدادهای سیاسی در بین النهرین پدید آمده است. در ایران باستان نیز سنگنوشته های به جا مانده از دوران هخامنشی و ساسانی را می توان نوعی وقایع نگاری به شمار آورد، گرچه، با توجه به اینکه غالب آنها با تأکید بر «من» «نویسنده» آغاز می شوند، به خاطرات و، به ویژه به حدیث نفس، نیز شباهت دارند.

اما وقایع نگاری به طور اخص نوع متداول تاریخ نگاری، سیاسی در دوران اسلامی گردیده و آثار متعددی از آن به جا مانده است که از منابع و مأخذ اصلی شناخت ادوار مختلف تاریخ این دوران به شمار می آیند. این نوع وقایع نگاری از قرن پنجم به قلم دبیران و همال درباری متداول گردیده و تا اوایل قرن کنونی تداوم یافته است. نکته جالب این است که وقایع نگاری در قرن پنجم با دو برابر بی نظیر یعنی اخبار خوارزم از ابوریحان بیرونی و تاریخ مسعودی از ابوالفضل محمد بن حسن کاتب بیهقی آغاز می شود، که در آنها نویسندگان برجسته هم حضور فعال دارند و هم رویدادها را با امانت و درستی می نگارند. این پیشگامی پرارزش متأسفانه در تاریخ نگاری و وقایع نگاری متداول آن دوران دنبال نمی شود و وقایع نگاری به شرح اخبار رسمی بر اقدامات و فعالیت های سلاطین و پادشاهان و یاران و وزیران تبدیل می شود و وقایع نگار نیز غالباً خود را در پس پشت وقایع پنهان می کند و وجود خود را نمی نمایاند. مجموعه این آثار شامل چند کتاب پراهمیت از دوره مغول و تیموری تا عصر قاجاریه است، همچون تاریخ جهانگشای جوینی و جامع التواریخ رشیدی، و تاریخ و صاف، و ظفرنامه شامی و تحمل التواریخ حافظ ابرو و نیز آثار معروف دوره مصطفوی همچون عالم آرای شاه اسماعیل و احسن التواریخ، حسن روملو و تاریخ عالم آرای عباسی اثر اسکندربیک ترکمان، از عصر نادری و زندیه به خصوص قاجاریه نیز مجموعه ای از وقایع نگاری در دست است. از جمله آثاری که زیر نظر میرزا حسن خان اعتمادالسلطنه تألیف شده است مانند تاریخ منتظم ناصری و مرآت البلدان ناصری و نیز جلد آخر ناسخ التواریخ تألیف محمد تقی خان لسان الملک سپهر و فارستامه ناصری از میرزا حسن فسانی.

ایراد بزرگی که به غالب این وقایع نگاری ها وارد است نه تنها گزینش اختیاری و یکسویه مطالب و نیز نوع عرضه کردن آنها و داوری در آنهاست بلکه مطالب پراهمیتی است که پرده پوشی شده و در ذکر وقایع و یا در حاشیه آنها پنهان مانده است. شاید برای نمونه بتوان از تاریخ بی دروغ اثر ظهیرالدوله یاد کرد که مقایسه آن با وقایع نگاری رسمی

آن دوران به خوبی ابعاد وسیع لاپوشانی حقایق تاریخی را به دست وقایع نگاران رسمی درباری نشان می دهد. نمونه خوب دیگر مقایسه خاطرات اعتمادالسلطنه است (که مخفیانه و برای آیندگان تهیه می کرده) با آثار متعدد دیگری که زیر نظر وی به عنوان تاریخ رسمی عهد پادشاهی ناصرالدین شاه منتشر می شده است.

روزنامه خاطرات

ثبت روزانه رویدادهایی است که غالباً به راوی خاطره مربوط می شود. نگارش خاطرات روزانه بدون قصد انتشار آنها از کارهای پر رونق ادبی در قرن هفدهم فرانسه و انگلستان بود. غالب این آثار در قرن های ۱۹ و ۲۰، که بازار نشر خاطرات رونق گرفت، منتشر شدند. البته آگاهی به امکان انتشار روزنامه خاطرات سبب اکراه به فاش گویی در خاطرات دو قرن اخیر شد.

یکی از محاسن عمده روزنامه خاطرات آن است که رویدادهای روزانه بلافاصله در آن ثبت می شوند و از کمبودها و کاستی ها و تحریف ها و دستبردهای حافظه، به خصوص اگر سالیان دراز از رویدادها گذشته باشد، در امان می ماند. اما میزان صداقت و فاش گویی در خاطرات روزانه تا حدی بستگی به قصد یا امکان انتشار آن دارد. زیرا گذشته از شخصیت نویسنده، مسئله اصلی محتوای خاطره است که اگر مربوط به امور کاملاً خصوصی و شخصی و در قلمرو اعترافات باشد قصد انتشار در آن مؤثر می افتد، حال آنکه اگر خاطره مربوط به مسائل اجتماعی و سیاسی باشد صاحب خاطره می تواند با زیرکی و چابک دستی، سعدی وار، پیامش را به گونه ای برساند که حتی اگر در زمان حیات خودش هم به دست نامحرم افتد بزای او دردسری پدید نیآورد. مثال های متعددی از این گونه شیوه ها را می توان در خاطرات روزانه اعتمادالسلطنه و امیر اسدالله علم به دست داد.

نخستین روزنامه خاطرات ایرانی در نیمه دوم قرن ۱۹ به همت میرزا حسن خان اعتمادالسلطنه (روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه) تدوین گردید و دومین و مفصل ترین روزنامه خاطرات را عین السلطنه، برادرزاده ناصرالدین شاه، نوشته است، که جلد اول آن منتشر شده و پنج جلد دیگر آن در حال انتشار است. سومین خاطرات روزانه که از لحاظ اهمیت تاریخی با خاطرات اعتمادالسلطنه پهلو می زند یادداشت های روزانه امیراسدالله علم از دهه واپسین پادشاهی دودمان پهلوی است. متأسفانه، این نوع خاطره نگاری در ایران رونق چندانی نداشته و شمار آنها از انگشتان دست فراتر نمی رود.



خاطره‌نگاری

روایت رویدادهایی است که یا نویسنده خاطره شاهد وقوع آنها بوده و یا از افراد آگاه آنها را شنیده و به خاطر سپرده باشد. تفاوت اساسی خاطره با حدیث نفس آن است که خاطره بیشتر بر محور رویدادهای اجتماعی و تاریخی می‌گردد تا برگرد زندگی خصوصی راوی. اما خاطرات به تفاریق حدیث نفس را با رویدادهای تاریخی درهم می‌آمیزند. برخی از آنها برای روایت یک یا چند واقعه اجتماعی و تاریخی فراهم می‌آیند و برخی دیگر به روال شرح حال تنظیم و تدوین می‌شوند و وقایع عمده زندگی نویسنده خاطره را از تولد و دوران کودکی و نوجوانی و تحصیلات و ازدواج و شرح فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی او در بر می‌گیرند اما معمولاً به لایه‌های درونی شخصیت راوی نمی‌رسند و ژرفای حدیث نفس او را آشکار نمی‌سازند. خاطره‌نگاری از روزنامه‌خاطرات نیز متمایز است زیرا غالباً رویدادهایی را روایت می‌کند که سال‌ها از وقوع آنها گذشته و در نتیجه، هنگام نگارش، از صافی روحیات و خلیات فردی و پایگاه اجتماعی راوی خاطره عبور کرده و به خطای حافظه و دستبرد آگاه یا ناخودآگاه راوی خاطره آلوده گردیده است:

خاطره‌نگاری، به خصوص خاطره‌نگاری سیاسی، نوع مسلط و متداول در تاریخ ایران و به خصوص در عصر رواج خاطره‌نگاری در ایران معاصر است. شاید بیش از ۹۵ درصد خاطرات ایرانی از نوع خاطرات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی باشد و تنها پنج درصد مزبور به انواع دیگر خاطرات (خاطرات روزانه و حدیث نفس).

اتوبیوگرافی یا حدیث نفس

حدیث نفس نوع مشخص و متمایز خاطره‌نگاری است که در دو قرن اخیر در فرهنگ غرب بالیده و شکوفا شده. واژه «اتوبیوگرافی» نیز برای نخستین بار در سال ۱۷۹۷ و ۱۸۰۹ به ترتیب در محافل ادبی انگلستان و فرانسه به کار رفت و سپس در اروپا شایع شد. پیش از ابداع این واژه حدیث نفس با زیر عنوان کلی خاطره‌نگاری و یا زیر عنوان «اعترافات» و «پوزشنامه» یا «توجیه نامه» (apology) می‌آمد. «پوزشنامه» که در قرن ۱۸ در اروپا رواج داشت بیشتر برای توجیه و دفاع از اعمال و رفتاری نگاشته می‌شد که راوی در زندگی مرتکب شده بود.

اما اعترافات که اساس و مبنای اتوبیوگرافی در غرب است، به معنای اعتراف به

گناهان و انحرافات و ضعف‌های بشری است. این نوع حدیث نفس که ابتدا در کتاب مشهور اعترافات سن اگوستین در آخر قرن چهارم عرضه شد. در عصر جدید در اروپا رواج گرفت. این گونه اعترافات که بیشتر جنبه روحانی و معنوی داشت و نوعی وظیفه دینی پنداشته می‌شد با آنچه در فرهنگ ایرانی و اسلامی به نام حدیث نفس خوانده می‌شود قرابت داشت، اما همسان نبود. برای روشن شدن موضوع باید توجه داشته باشیم که در روانشناسی قدیم نفس آدمی را دارای سه نیروی متمایز می‌دانستند و می‌پنداشتند که فرد آدمی به اعتبار این نیروها مصدر افعال گوناگون می‌شود.

اول، قوه ناطقه که آن را نفس ملکی خوانند و آن مبدأ فکر و تمیز و شوق نظر در حقایق امور بود. دوم، قوت غضبی که آن را نفس سبعی گویند و آن مبدأ غضب و دلیری و اقدام بر احوال و شوق تسلط و ترفع و مزید جاه باشد. سوم، قوت شهوانی که آن را نفس بهیمی نامند و آن مبدأ شهوات و طلب غذا و شوق التذاب به ماکل و مشارب و مناکح بود. از این سه نفس در قرآن مجید به نفس مطمئنه، نفس لؤامه و نفس اماره آمده است. و مثل این سه نفس قدماء حکماء چون مثل سه حیوان مختلف نهاده‌اند که در مریط جمع کرده باشند، فرشته و سگی و خوکی تا هر کدام که غالب شود حکم او را بود.

سؤال این است که حدیث کدام نفس در فرهنگ ایرانی و اسلامی سابقه داشته است. اگر در فرهنگ غربی حدیث نفس لؤامه و اماره، یعنی اعتراف به گناهانی که صاحب خاطره در سیطره قوای سبعی (یا غضبی) و بهیمی (یا شهوی) در دوران جوانی مرتکب شده، اساس و مایه خاطره‌نویسی گردیده، در فرهنگ ایرانی و اسلامی حدیث نفس ملکوتی و یا سیر و سلوک عرفانی و یا گذار از شریعت به طریقت و حقیقت مبنای حدیث نفس قرار گرفته است.

در مغرب زمین نیز رونق حدیث نفس سبعی و بهیمی و اعتراف به گناهان و بیان سرگذشت واقعی از عصر روشنگری در قرن هجدهم رونق پیدا کرد و در قرن نوزدهم به عنوان نوع مشخص ادبی شکل گرفت. عامل اصلی در رونق گرفتن فاش‌گویی در حدیث نفس اشاعه اعتقاد به خودمحوری و خودآفرینی انسان یا اومانیزم (humanism) بود که بن‌مایه فرهنگ نوین به شمار می‌آمد و انسان متجدد را از انسان متقدم یا سنت‌گرا متمایز می‌کرد. این بینش تازه سبب اهمیت یافتن تجربه شخصی و درونی افراد از یکسو و نگرش تاریخی به زندگی انسان از سوی دیگر شد. بنابراین، همزمانی شکوفایی حدیث نفس با توضیح تاریخ‌نگاری علمی امری تصادفی نبود. چرا که هم تاریخ‌نگاری جدید و هم حدیث نفس مبتنی بر آگاهی تاریخی تازه‌ای بودند که رویدادهای تاریخی را با آگاهی از

سیر حوادث و منشی وقایع تاریخی تبیین می‌کند و معنای هر رویداد تاریخی را در توصیف رابطه علی میان سلسله به هم پیوسته حوادث می‌جوید.

در این دوران بود که جامعه متحول انگلیس و فرانسه و آلمان به اعترافات مردان نام‌آور تعلق خاطر پیدا کرد و منبب شد تا مورخین و فلاسفه و شاعران بزرگ به تدوین و انتشار حدیث نفس و اعترافات خویش بپردازند. از جمله، ادوارد گیبین (Gibbon)، نماینده برجسته مکتب تاریخ‌نگاری انگلستان، که در مقدمه حدیث نفس خود علاقه به مسائل روانشناسی و اخلاقی را که از ویژگی‌های عصر روشنگری بود موجب رونق حدیث نفس دانست و هردر (Herder)، شاعر و متفکر آلمانی، که گردآوری حدیث نفس در دوره‌های گوناگون و در جوامع مختلف را خدمت بزرگ به تدوین تاریخ تحول جوامع انسانی شمرد و یا گوته (Goethe)، شاعر بزرگ آلمانی، که اعترافات هر عصر را روشنی‌بخش فراگرد بزرگ رهایی شخصیت انسانی دانست.

با رشد علوم انسانی در قرن نوزدهم حدیث نفس موضوع بررسی‌های علمی در روانشناسی و تاریخ قرار گرفت: از دیدگاه تاریخ‌نگاری تجربی و تحصیلی حدیث نفس به عنوان فشرده حالات و خصوصیات و طبایع افراد و اجتماعات و اعصار و نژادها و اقوام مقامی به مراتب بالاتر از اسناد و مدارک رسمی یافت.

در ادبیات قرن نوزدهم نیز حدیث نفس به عنوان یکی از انواع پراهمیت ادبیات ملل شناخته شد، همچون Vita Nuova اثر دانته (Dante) و Vita اثر چلینی (Celini) در ادب ایتالیا و History of Rebeltion اثر لرد کلرنندن (Clarendon) در ادب انگلستان و اعترافات روسو در ادب فرانسه و Dichtung und Wahrheit، اثر گوته در ادب آلمان.

اما حدیث نفس به خودی خود بیشتر از آنکه معرف نوع یا اثر بزرگ ادبی باشد نشان توأمان بودن نویسنده و موضوع اثر بود. همین وحدت میان موضوع اثر و نویسنده آن، و اینکه انسان پژوهنده خود موضوع پژوهش است، اساس علاقه مدرنیست‌های ادبی به حدیث نفس بود. چه، آنها می‌پنداشتند که نویسنده اتوبیوگرافی همه واقعات‌های زندگی‌اش را در دست دارد، در حالی که نویسنده سرگذشت دیگران باید آن را از راه تحقیق و یا همدلی به دست آورد و تازه به گنه آنها و به تمامی آنها نیز هیچ‌گاه دسترسی پیدا نکند. از دیدگاه مکتب دزون فهمی حدیث نفس والاترین و آموزنده‌ترین اثری بود که در آن امکان درک و فهم زندگی انسان فراهم می‌شود، چنانکه «تاریخ حدیث نفس تاریخ خودآگاهی انسان» دانسته می‌شد. رونق حدیث نفس در واقع نشان قیام «منیت» فرد بود؛ فردی که با تأکید بر وجود «من» خود را در برابر دیگران قرار می‌داد و از نهادها

و مؤسسات اجتماعی در پیرامونش متمایز می‌کرد و اسباب و محرکات ابتدایی اعمال و رفتار خود را نشأت گرفته از درون خویش می‌پنداشت.

بدین گونه، تا اوایل قرن کنونی تجربه‌های زندگی محور ارزش‌گزاری حدیث نفس در نقد و تحلیل تاریخی و ادبی بود، بدون آنکه به نقش راوی سرگذشت در شکل دادن و خلق افسانه زندگی‌ش توجهی بشود. از اوایل قرن حاضر بود که ابتدا نقیض افسانه‌ساز راوی در مرکز نقد و تحلیل حدیث نفس جا گرفت و آنگاه، در دو دهه اخیر، نوبت به قیام متن رسید.

همان گونه که از واژه ترکیبی اتوبیوگرافی یا «زندگی - خود - نگاری» برمی‌آید این واژه ترکیبی است از سه عامل «خود» یا «من نگارنده»، «زندگی» یا «سرگذشت راوی»، و «متن» سرگذشت که راوی آن را قلم زده و بر صفحه کاغذ آورده است. در نظر اول معنا و مفهوم هر یک از این عوامل و روابط آنها با یکدیگر روشن و بدیهی است. اما تأمل در تاریخ تحول نقد و تحلیل اتوبیوگرافی نشان می‌دهد که نقش محوری هر یک از عوامل سه‌گانه و روابط آنها با یکدیگر در مراحل مختلف دگرگون شده است.

در مرحله اول، که تا اوایل قرن کنونی ادامه داشت فرض اصلی آن بود که اتوبیوگرافی سرگذشت زندگی واقعی راوی است که همچون «وقایع اتفاقیه در روزگار» و به گونه‌ای عینی تجربه‌های انفسی او را در جهان آفاقی منعکس می‌کند. چنانکه گویی «من نگارنده» شرح زندگی خویش را فارغ از هرگونه تعلق خاطر و تعصب یا بحران هویت و خودفریبی، همان طور که واقعا روی داده، نقل کرده باشد. از این رو اتوبیوگرافی بهترین نوع زندگی‌نامه پنداشته می‌شد و خود یکی از انواع ارزشمند تاریخ‌نگاری به حساب می‌آمد. پس آنچه در اتوبیوگرافی نقد کردنی بود همان محتوای سرگذشت راوی بود و نه خود او و یا متن نوشته او.

در مرحله دوم، توجه نقد ادبی به «من نگارنده» معطوف شد بدین معنی که اگر در مرحله پیشین «من نگارنده» لوحه‌ای پاک و بی‌آلایش و آئینه‌ای شفاف در نظر می‌آمد که سرگذشت زندگی خود را (که از همه زیر و بم‌هایش آگاه بود) معصومانه به نگارش آورده، و نوشته او انعکاس واقعی رویدادهایی تصور می‌شد که بر او گذشته است، در این مرحله «من نویسنده» در نقش عامل فعالی ظاهر می‌شود که «نیمی خود را کشف می‌کند و نیمی خود را می‌سازد»، و در هر دو مورد این خود راوی است که داستان می‌سراید و خود آگاهی و آفرینندگی اوست که در محور نقد ادبی و تاریخی قرار می‌گیرد. همین جابه‌جایی از «زندگی» نویسنده به «من» نویسنده است که مقام و منزلت

ادبی به اتوبیوگرافی می‌بخشد و آن را از قلمرو تاریخ‌نگاری به قلمرو ادبیات سوق می‌دهد؛ چرا که در هر اثر ادبی «من» نگارنده، خواه آشکارا و خواه در نهان، هم در مجموعه اثر ادبی و هم در اجزای پر اهمیت آن حضور دارد و همین حضور «من» است که به هر اثر ادبی معنا می‌بخشد.

مرحله سوم در نقد و تعبیر اتوبیوگرافی متمایز کردن و شاخص کردن «متن» اتوبیوگرافی در برابر «من» نویسنده و «زندگی» اوست که مورد تأکید پسامدرنیست‌ها (Post-modernists) قرار گرفته. به عقیده صاحب نظران این مکتب همچون فوکو (Foucault) و دریدا (Derrida)، «متن» اتوبیوگرافی پس از پدید آمدن زندگی مستقل خود را می‌یابد و به راهی می‌رود که نه ربطی به «زندگی» نویسنده دارد و نه به «من» نویسنده. به گمان دریدا از آنجا که در اتوبیوگرافی «امضاء» نویسنده در حاشیه متن اثر جا می‌گیرد اتوبیوگرافی نیز در حاشیه ادبیات ظاهر می‌شود و درست به همین دلیل هم تمام مسائل مربوط به تعریف ادبیات، مفهوم افسانه‌ای بودن آن و رابطه ادبیات با آثار غیرادبی در بررسی اتوبیوگرافی مطرح می‌شود. به نظر او به محض آنکه «متن» پدید می‌آید کشاکش و تضاد ژرفی میان آن و «امضاء» پای آن در می‌گیرد، چرا که هر یک می‌خواهد دیگری را در خود ببلعد و مدفون کند. بدین گونه به نظر آنان هم نویسنده اثر و هم زندگی او افسانه‌ای بیش نیست و آنچه واقعیت دارد و شالوده اتوبیوگرافی را تشکیل می‌دهد چیزی جز «متن» نیست. در ورای «متن» تنها چهره‌ها و صورتک‌های داستان باقی است که می‌توان تیرگی و وهم‌گونی آنها را نیز با ساخت شکنی (deconstruction) «متن» نشان داد. بدیهی است که با این فرضیه اتوبیوگرافی، به عنوان یک نوع متمایز ادبی، به پایان خط می‌رسد و در افسانه‌پردازی محو می‌شود.

با آنکه پیروان اصالت صورت و اصالت ساخت و ساخت‌شکنان گوشه‌ها و جنبه‌های پراهمیت و قابل تأملی از تجربه‌های انسانی را آشکار می‌سازند لکن هنوز نتوانسته‌اند از درگیری با مسئله «خود» و خودآگاهی انسان رهایی یابند. حتی اگر برخی از آنان تا بدان حد به افراط گرایند که وجود آن را انکار کنند. چرا که «خود» و خودآگاهی چنان برای انسان فریبنده و افسونگر است، و دلهره عظیم انسان از وجود اسرارآمیز و مرموز آنچنان در ژرفای وجود ریشه دوانده است که انسان از اندیشیدن به آن رهایی ندارد.

با این همه از آنجا که به گمان ما خاطرات ایرانی در میانه تاریخ و افسانه جا دارند و غالباً از منابع بی‌بدیل تاریخ‌نگاری بشمار می‌آیند باید در مرحله اول در معرض نقد و تحلیل تاریخی قرار گیرند. رویدادهای اتوبیوگرافیک و وقایع عرضه شده در خاطرات

ایرانی را باید در لحظه نگارش آنها و در تاریخ حیات نویسنده و اوضاع و احوال زمان او و
خلفیات و روحیات راوی خاطره بنشانیم تا بتوانیم رویدادهای تاریخ معاصر را، که غالباً
ناشناخته و پراز ابهام است، در روشنای آن دریا بیم.

نشر ثالث منتشر کرد:

● شب چیست از میان شب‌ها / ونوس خوری غانا / حمید کریم خانی / ۲۳۰ ص
/ ۲۵۰۰ تومان

● اسطورگی و فرهیختگی / جلال ستاری / ۱۰۰ ص / ۲۰۰۰ تومان

● زن نازنین / لاله برزگر / ۱۵۴ ص / ۳۲۰۰ تومان

● قدرت آزادی نیروی راستین لیبرالیسم / پل استار / فریدون مجلسی /
/ ۳۶۸ ص / ۶۸۰۰ تومان

● در لب پرتگاه / کراتزیادلدوا / بهمن فرزانه / ۳۰۲ ص / ۶۰۰۰ تومان

● برای قرن بیست و یکم / آرنلد توین جی و دایسا کوایکدا / فریبرز مجیدی /
/ ۲۶۰ ص / ۵۸۰۰ تومان

● گذار از عهد باستان به فنودالیسم / پری اندرسون / حسن مرتضوی /
/ ۲۲۲ ص / ۸۸۰۰ تومان

نشر ثالث - تهران - خیابان کریم خان زند - بین ایرانشهر و ماهشهر - شماره ۱۴۸

تلفن ۷-۸۸۳۲۵۳۷۶